

شخصیتهای نامیرا

پیوند به گذشته

شغنان ولایت بدخشان

ملا مقصود

نوشته: حسینی حسنیار شغنانی

۲۳ فبروری ۲۰۱۹

ملا مقصود کی بود؟

هیچ شغنانی نیست که نام ملا مقصود را نشنیده باشد.

ملا مقصود که بزرگان او را ملامقصود بهارکی میگفتند کسی بود که شغنان را برای زندگی انتخاب کرد و آخر هم جانش را فدا نمود. ملامقصود زمانی در شغنان ساکن شد که شغنان یک ده بزرگی را میماند که کدخدای آن همه کاره بود و مردم بدون قید و شرط و چون چرا از وی اطاعت میکردند. غذای عمده مردم توت بود و تلقان و آش باقلا و نان ارزن و جودر. لباس مردم کرباس بود و چکمن. در شغنان دو نوع چکمن بافته میشد قتمه (ضخیم، کلفت ودرشت) و رغزه (نرم و ملایم و ظریف)، کرباس را از جاهای دیگر مثل درواز و بتاش می آوردند. کرباس بتاشی در مقایسه با کرباس دروازی کم ارزشتر بود. کفش مردم پیزار بود، چموس (چارق) و کفش چوبی و نعلین (پاپونیس) چوبی. پیزار را از همراه با چموس ازبکی و چموس بدخشی (بدخبنی / بدبنی پنخ) از مناطق همجوار می آوردند بقول امروزیها وارد میکردند. یگانه چیزیکه در شغنان زیاد تولید میشد و در خارج از شغنان نیز مصرف داشت بشق و گردنبد و دستکش (بیله) بودند .

دباغی پوست و رنگریزی پوست رایج بود ولی بصورت بسیار ابتدایی. رنگ کردن پشم و رشته مروج نبود. جراب و گردن بند و دستکش را که می بافتند دارای رنگهای طبیعی سفید، سیاه و بور بودند .

ملا مقصود به شغنان آمد و در سرای (قلعه ای که امروز به سرای قریه دار میرزاجان معروف است)، دکانداری را آغاز کرد. او به مردم فنون دکانداری و قصابی را آموخت.

مرحوم حاجی چقان نخستین قصاب شغنانی بود که برای ملا مقصود شاگردی کرده بود. ملا مقصود رنگهای گوناگون را که بنام قرمز یاد میشدند در دکان خود به فروش میرساند. مردم پول نقد نداشتند و قرمز را در بدل جراب، گردن بند و دستکش دریافت میکردند. مقصود صنایع پشمی شغنان را در بازارهای فیض آباد و بهارک بفروش میرساند و به همینگونه صنایع دستی و هنر پشمینه بافی شغنان را به دیگران معرفی کرد.

ملا مقصود در سرای که آن را خریده بود چندین باب دکان و حجره داشت. در یکی از حجره کودکان را جمع کرد و به آنها سواد خواندن قرآن و نوشتن و حساب کردن یاد میداد. کودکان سه سال اول را در حجره های سرای درس خواندند و سواد خواندن و نوشتن را فرا گرفتند. در اثر سعی و تلاش ملا مقصود بود که نخستین مکتب سه صنفی در شغنان باز شد. پروژه " دهکده " یگانه موسسه یی بود که در منطق دور دست فعالیت داشت و در همان مناطق مکاتب را باز کرد. پروژه دهکده فن پبله پروری را نیز رونق بخشید و محصولات اهالی را خریداری میکرد. این بخش از فعالیت دهکده بنام " پبله وری " یاد میشد.

ملا مقصود در یک درگیری مرزی با شوروی کشته شد و بنام شهید در قبرستانی که بنام معاونی یاد میشد در نبش سرای مذبور به خاک سپرده شد.

شوربختانه ازین بزرگمرد کمتر و یا هیچ یاد نمیشود. این شخص وطن دوست استحقاق آن را دارد که اقلاً چیزی برای بزرگداشت او در شغنان باشد. روانش شاد باد.